

تقریر برهان صدیقین سینوی به روش منطق صوری جدید

عسکری سلیمانی امیری*

چکیده

برهان صدیقین یکی از براهین معروف در اثبات وجود خداست، پایه و اساس این برهان حقیقت وجود و نفی شکاکیت در هستی است. در این برهان وجود خلق پایه استدلال نیست. از این رو گفته می‌شود وجود خدا از غیر او و خلق او اثبات نشده است. بنابراین در پایان معلوم می‌شود که از خود خدا وجود او اثبات شده است. با این تفاوت که در آغاز برهان نمی‌دانستیم آن که پایه استدلال است و استدلال از آنجا آغاز شده، همان خدا است. طراح این برهان فارابی است، ولی تقریری از آن ارائه نکرده است، بلکه اولین تقریر آن را ابن سینا به دست داده است. این برهان را می‌توان بر اساس منطق جدید هم در بخش منطق جمله‌ها و هم در بخش منطق محمولات صورت‌بندی کرد. مقاله پیش رو ضمن تقریر برهان صدیقین ابن سینا صورت‌بندی آن را هم در منطق جمله‌ها و هم منطق محمولات ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: برهان صدیقین، ابن سینا، منطق جمله‌ها و منطق محمولات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات فلسفه و کلام اسلامی
مجمع علوم انسانی

مقدمه

فارابی روش بدیعی را در اثبات وجود خدا پیشنهاد کرد که در واقع اثبات واجب از طریق وجود واجب است.^۱ گویا در این برهان از خود واجب آغاز می‌کنیم و سرانجام وجودش را نتیجه می‌گیریم؛ زیرا برهان را از وجود آغاز می‌کنیم که اعم از واجب است و در فرجام کار روشن می‌شود که آنچه بدان رسیده‌ایم، همان است که از آن آغاز کرده‌ایم و آن، همان وجود خداست؛ زیرا در پایان کار برای ما روشن می‌شود که خدا وجود دارد، در حالی که وجود خلق از آن نتیجه نمی‌شود. بنابراین روشن می‌شود که از خدا آغاز کرده‌ایم و به خدا رسیده‌ایم. ابن‌سینا روش ابداعی فارابی را برای نخستین بار درباره‌ی موجود به‌کار برد و نخستین تقریر برهان صدیقین را ارائه کرد. این برهان به گونه‌ای است که می‌توان آن را به روش منطقی جدید به‌خوبی سامان داد، و استدلال آن را به روش صوری گزارش کرد. در صورت‌بندی برهان صدیقین به روش سینوی، هم می‌توانیم صرفاً از منطقی‌ها استفاده کنیم و هم می‌توانیم از منطقی‌ها محمولات بهره بگیریم.

صورت‌بندی برهان بر اساس منطقی‌ها

در سازمان دادن این برهان بر اساس منطقی‌ها از دو قانون استنتاجی وضع مقدم و حذف فاصل استفاده می‌کنیم. پیش از آنکه این دو قانون معرفی شوند، بایسته است نمادهایی که در معرفی این قوانین و در برهان‌ها به کار می‌روند، معرفی شوند:

→: نماد شرطی؛

∴: نماد استنتاج؛

∨: نماد منفصله؛

A, B, C: جمله‌نشانها در فرازبان منطقی جمله‌ها برای معرفی قانون‌ها؛

P, Q, R: جمله‌نشانها در زبان منطقی جمله‌ها.

قانون وضع مقدم

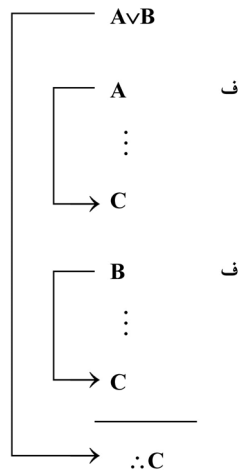
$$A \rightarrow B$$

$$A$$

$$\therefore B$$

به موجب این قانون از دو مقدمه $A \rightarrow B$ و A می‌توان B را نتیجه گرفت. این قانون همان قیاس استثنایی با وضع مقدم در منطقی قدیم است.

قانون حذف فاصل



به موجب این قانون هرگاه با فرض هر یک از مؤلفه‌های منفصله به یک نتیجه برسیم، معلوم می‌شود که نتیجه از خود منفصله به دست می‌آید و نتیجه بر همه مقدمات پیشین به جز دو فرض مزبور استوار است. به تعبیر دیگر، اگر به راستی با فرض A به C می‌رسیم و با فرض B به C می‌رسیم، پس با داشتن AvB به C می‌رسیم و C نه به A مبتنی است و نه به B، بلکه به AvB.

قانون حذف فاصل هرچند بدیهی است، نشانی از آن در منطق قدیم نمی‌بینیم. گفتنی است که نام‌گذاری این قانون به حذف فاصل چندان مناسب نیست؛ زیرا در این قانون فاصل حذف نمی‌شود، بلکه در سطری که این قانون اعمال می‌شود و نتیجه به دست می‌آید، آن را به فاصل مرتبط می‌کنیم و این قانون بیان می‌کند که از فاصل به این نتیجه رسیده‌ایم. به هر حال نام‌گذاری چندان اهمیتی ندارد؛ بلکه مهم درستی قانون است که عقل به گونه بدیهی درستی آن را شهود می‌کند.

تقریر برهان صدیقین ابن سینا بر اساس منطق جمله‌ها

همان‌گونه که گفتیم، در برهان صدیقین، بنابر ادعا، وجود خدا از فعل و خلق او استنتاج نمی‌شود. بنابراین در این برهان باید از عناوینی استفاده شود که مصداق آنها در واقع فعل و خلق او نباشند. به ناچار این عناوین باید خود واجب باشند و لذا می‌توان گفت که ویژگی برهان صدیقین این است که با واجب، واجب اثبات می‌شود؛ بدون آنکه در دام مغالطه مصادره به مطلوب گرفتار شویم. از آنجاکه هدف در اینجا ارائه صورت‌بندی برهان

صدیقین، صرف‌نظر از مبانی آن است، اصول موضوعه مقدمات برهان را صورت‌بندی نمی‌کنیم. خواجه نصیرالدین طوسی در شرح اشارات و تجرید الاعتقاد برهان صدیقین ابن‌سینا را بر امتناع دور و تسلسل مبتنی کرده است.^۱ بنابراین در تقریر خواجه بطلان دور و تسلسل اصل موضوع است که بطلان آن دو در مابعدالطبیعه اثبات شده است؛ اما درخور توجه آنکه ابن‌سینا برهان خود را بر امتناع دور و تسلسل بنا نکرده است؛ بلکه مبنای برهان ابن‌سینا امتناع مجموعه‌های محدود یا نامحدود از ممکنات است که در ورای خود، واجبی نداشته باشند.^۲ به تعبیر دیگر، مبنای ابن‌سینا لزوم وجود واجب‌الوجود، بیرون از مجموعه‌های محدود یا نامحدود ممکنات است. بنابر بیان ابن‌سینا اگر مجموعه‌ای از موجودات امکانی، خواه محدود و خواه نامحدود، به هم وابسته در نظر گرفته شوند، این مجموعه در صورتی موجود است که بیرون این مجموعه واجب‌الوجود آنها را موجود کرده باشد؛ وگرنه موجود نخواهند بود.

از آنجاکه خواجه نصیرالدین طوسی بر مبنای امتناع دور و تسلسل برهان ابن‌سینا را بسیار موجز به تقریر در آورده است، آن را در اینجا بیان می‌کنیم: «الموجود ان كان واجباً فهو المطلوب والا استلزمه لاستحالة الدور والتسلسل». بیان تقریر خواجه این است که موجود یا واجب است یا مستلزم واجب؛ زیرا اگر موجود واجب باشد، واجب‌الوجود موجود است و اگر موجود غیرواجب باشد، ممکن خواهد بود و هر ممکن‌الوجودی به دلیل بطلان دور و تسلسل نیازمند واجب است؛ بنابراین اگر موجود غیرواجب باشد، مستلزم واجب است. پس واجب، موجود است. مراد از «الموجود» در کلام خواجه نصیر طوسی همان موجودی است که همگان بدان اعتراف دارند و با آن سفسطه در هستی را نفی می‌کنند. به تعبیر دیگر برهان از این امر بدیهی آغاز می‌کند که موجودی هست و این موجود به حکم عقل، یا واجب‌الوجود است، یا ممکن‌الوجود. بنابراین در صورت‌بندی و توضیحاتی که ارائه خواهیم کرد، مراد ما از موجود، همین موجودی است که نافی سفسطه در هستی است.

تفصیل برهان:

۱. موجود یا واجب است یا ممکن؛ (بدیهی)
۲. اگر موجود واجب باشد، واجب‌الوجود موجود است؛ (بدیهی)

۳. اگر موجود ممکن باشد، واجب‌الوجود موجود است؛ (بدیهی بر اساس بطلان دور و تسلسل یا مجموعه‌های امکانی)
۴. موجود واجب است؛ (فرض)
۵. واجب موجود است؛ (از ۴ و ۲ وضع مقدم)
۶. موجود ممکن است؛ (فرض)
۷. واجب موجود است؛ (از ۶ و ۳ وضع مقدم)
۸. واجب موجود است؛ (از ۱، ۴، ۵، ۶ و ۷ حذف فاصل)

در این برهان مقدمه اول بر اساس اصل امتناع تناقض صادق است؛ زیرا به موجب این اصل، هر وجودی یا واجب است یا واجب نیست؛ یعنی ممکن است. مقدمه دوم نیز به گونه بدیهی صادق است. مقدمه سوم نیز صادق است؛ زیرا اگر وجود، ممکن‌الوجود باشد، نیازمند علت است؛ زیرا ممکن‌الوجود آن است که به ذات خود موجود نیست و چیزی که به ذات خود موجود نیست، باید از ناحیه علت خود موجود باشد و از آنجاکه علت ممکن به موجب امتناع دور و تسلسل در علل به واجب می‌انجامد، لازمه ممکن‌الوجود آن است که واجب‌الوجود موجود باشد.

اکنون برای اثبات مدعا سطر چهارم را فرض می‌گیریم. روشن است که نتیجه موردنظر نباید بر این فرض تکیه کند؛ چراکه این سطر جزو مقدمات برهان نیست؛ اما با فرض این سطر و مقدمه دوم، به قانون وضع مقدم نتیجه می‌شود که واجب‌الوجود موجود است. البته این نتیجه، نتیجه موردنظر ما نیست؛ زیرا این نتیجه مبتنی بر فرض سطر چهارم است که صرفاً فرض است و درستی آن برهانی نشده است. بنابراین در ادامه برهان، سطر ششم را فرض می‌گیریم. باز واضح است که نتیجه موردنظر ما هم نباید بر این فرض استوار باشد؛ اما با این فرض و مقدمه سطر سوم به قانون وضع مقدم، نتیجه سطر هفتم به دست می‌آید که این نتیجه، عین نتیجه سطر پنجم است. همان‌گونه که سطر پنجم نتیجه موردنظر ما نبود (چراکه بر فرضی استوار بود که درستی‌اش ثابت نشده است) این سطر نیز نتیجه موردنظر ما نیست؛ زیرا این سطر مبتنی بر فرض سطر ششم است، که درستی‌اش به اثبات نرسیده است. البته نکته بنیادین اینجاست که فرض سطر چهارم و فرض سطر ششم در واقع دو مؤلفه منفصله در سطر یکم‌اند. بنابراین به موجب منفصله سطر یکم، یکی از این دو فرض سطر چهارم و ششم در واقع درست است. بنابراین یکی از دو نتیجه سطر پنجم و هفتم

درست است. پس می‌توان گفت به موجب سطر اول که منفصله است و دو فرض مزبور که دو مؤلفه همین منفصله‌اند، نتیجه سطر هشتم که تکرار دو نتیجه سطر سوم و ششم است، به دست می‌آید. پس با توجه به منفصله، این نتیجه از دو فرض مزبور به دست نیامده‌اند.

اکنون برهان سینوی را با نمادهای منطق جمله‌ها نمادگذاری می‌کنیم:

P: وجود واجب است؛

Q: وجود ممکن است؛

R: واجب‌الوجود موجود است؛

و.م: وضع مقدم؛

ح.۷: حذف فاصل.

م: مقدمه

ف: فرض

در صورت‌بندی ضمن اینکه هر سطر را با شماره‌ای در میان دو هلال قرار می‌دهیم، در سمت چپ سطر، اعدادی که دال بر درستی آن سطرند، به منزله مبنای آن سطر نوشته می‌شوند. طبق این روش هرگاه سطر مقدمه یا فرض باشد، مبنای درستی آن خودش است و هرگاه سطر از سطر یا سطرهای بالاتر استنتاج شده باشد، اعداد مبنای آن سطرها را به منزله مبنای نتیجه می‌نویسیم. بدیهی است اعداد مبنای سطر پایانی برهان، تنها باید شماره سطرهایی را به خود اختصاص دهند که مقدمه‌اند.

۱	(1) $P \vee Q$	م
۲	(2) $P \rightarrow R$	م
۳	(3) $Q \rightarrow R$	م
۴	(4) P	ف
۲، ۴	(5) R	م. ۴، ۲
۶	(6) Q	ف
۳، ۶	(7) R	م. ۶، ۳
۱، ۲، ۳	(8) R	ح. ۷، ۵، ۶، ۷، ۱، ۴

در این برهان سطر ۴ و ۶ فرض‌اند که با توجه به دو مؤلفه منفصله در سطر یکم، فرض شده‌اند. هر یک از این دو فرض همان چیزی را نتیجه داده است که دیگری نتیجه داده است. بنابراین فرض‌ها نیستند که نتیجه می‌دهند؛ بلکه خود منفصله است که ۸ را نتیجه می‌دهد.

این برهان را ساده‌تر نیز می‌توان نوشت:

۱. یا واجب‌الوجود موجود است یا ممکن‌الوجود؛ بدیهی
۲. اگر ممکن‌الوجود موجود باشد، واجب‌الوجود موجود است؛ (بدیهی بر اساس بطلان دور و تسلسل یا مجموعه ممکنات)
۳. واجب‌الوجود موجود است؛ فرض
۴. واجب‌الوجود موجود است؛ نتیجه ۳
۵. ممکن‌الوجود موجود است؛ فرض
۶. واجب‌الوجود موجود است؛ ۲، ۵ وضع مقدم
۷. واجب‌الوجود موجود است؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ حذف فاصل

گفتنی است که مقدمه ۳ (واجب‌الوجود، موجود است) فرض است و هرگاه چیزی فرض شود بدیهی است که از آن خودش نتیجه می‌شود؛ زیرا با فرض درستی آن، نقیض آن نادرست است. صورت‌بندی این مسئله بدین شرح است:

۱	(1) $P \vee Q$	م
۲	(2) $Q \rightarrow P$	م
۳	(3) P	ف / نتیجه
۴	(4) Q	ف
۴، ۲	(5) P	م، ۳، ۶ و م
۱، ۲	(6) P	۵، ۴، ۳، ۱، ۳، ۷. ح

می‌توانیم برهان صدیقین ابن‌سینا را از راه خلف نیز نتیجه بگیریم؛ هرچند ابن‌سینا چنین تقریری ارائه نکرده است. برای این کار می‌باید چهار قانون برهان خلف، رفع تالی، معرفی عاطف و نقض مضاعف را معرفی کنیم. نخست بایسته است دو نماد عاطف و ناقض معرفی شوند:

&: عاطف؛

~: ناقض

ر. ت: رفع تالی

قانون رفع تالی

$$\begin{aligned} A \rightarrow B \\ \sim B \\ \therefore \sim A \end{aligned}$$

به موجب این قانون از دو مقدمه $A \rightarrow B$ و $\sim B$ می‌توان $\sim A$ را نتیجه گرفت. این قانون همان قیاس استثنایی با رفع تالی در منطق قدیم است.

قانون برهان خلف

$$\begin{array}{l} \text{فرض } A \\ \vdots \\ B \ \& \ \sim B \\ \hline \therefore \sim A \end{array}$$

به موجب این قانون هرگاه از فرض A ، $B \ \& \ \sim B$ استنتاج شود، می‌توان $\sim A$ را نتیجه گرفت. $\sim A$ بر همان فرض‌هایی استوار است که $B \ \& \ \sim B$ ؛ به جز فرض A .

قانون معرفی عاطف

$$\begin{array}{l} A \\ B \\ \hline \therefore A \ \& \ B \end{array}$$

به موجب این قانون از دو جمله A و B می‌توان $A \ \& \ B$ را نتیجه گرفت.

برهان ابن‌سینا از طریق برهان خلف

۱. موجود یا واجب‌الوجود است یا ممکن‌الوجود؛ مقدمه
۲. اگر موجود واجب‌الوجود باشد، واجب‌الوجود موجود است؛ مقدمه
۳. اگر موجود ممکن‌الوجود باشد، واجب‌الوجود موجود است؛ مقدمه
۴. موجود واجب‌الوجود است؛ فرض
۵. چنین نیست که واجب‌الوجود موجود است؛ فرض
۶. چنین نیست که موجود واجب‌الوجود است ۲، ۵ رفع تالی
۷. موجود واجب‌الوجود است و چنین نیست که موجود واجب‌الوجود ۴، ۶ معرفی عاطف است؛
۸. واجب‌الوجود موجود است؛ ۵، ۷ برهان خلف
۹. موجود ممکن‌الوجود است؛ فرض
۱۰. چنین نیست که واجب‌الوجود موجود است؛ فرض
۱۱. چنین نیست که ممکن‌الوجود موجود است؛ ۳، ۱۰ رفع تالی
۱۲. موجود ممکن‌الوجود است و چنین نیست که موجود ممکن‌الوجود ۹، ۱۱ معرفی عاطف است؛
۱۳. واجب‌الوجود موجود است؛ ۱۰، ۱۲ برهان خلف
۱۴. واجب‌الوجود موجود است؛ ۱، ۸، ۹، ۱۳ حذف فاصل.

صورت برهان به صورت منطق جمله‌ها چنین است:

۱	(1) $P \vee Q$	م
۲	(2) $P \rightarrow R$	م
۳	(3) $Q \rightarrow R$	م
۴	(4) P	ف
۵	(5) $\sim R$	ف
۲، ۴	(6) $\sim p$	۲، ۵، رت
۲، ۴، ۵	(7) $P \& \sim P$	۴، ۶، م، &
۲، ۴	(8) $\sim\sim R$	۵، ۷، ب، خ
۲، ۴	(9) R	۸، ن، م
۱۰	(10) Q	ف
۱۱	(11) $\sim R$	ف
۳، ۱۱	(12) $\sim Q$	۳، ۱۱، رفع تالی
۳، ۱۰، ۱۱	(13) $Q \& \sim Q$	۱۰، ۱۲، م، &
۳، ۱۰	(14) $\sim\sim R$	۱۰، ۱۲، ب، خ
۳، ۱۰	(15) R	۱۴، ن، م
۱، ۲، ۳	(16) R	۹، ۴، ۱، ۱۵، ۱۰، ح، ۷

برهان صدیقین بر اساس منطق محمولات

برای تقریر این برهان بر اساس منطق محمولات، از دو قانون اختصاصی منطق محمولات نیز باید بهره گرفت و آن دو را در اینجا معرفی می‌کنیم:

قانون حذف سور کلی

$$\frac{(A) t A}{\therefore tm}$$

به موجب این قانون هرگاه حکمی کلی t بر هر شیئی صادق باشد، با حذف سور کلی (A) می‌توان آن حکم کلی را بر فرد فرضی m پیاده کرد.

قانون حذف وجودی

$$\frac{(\exists A) t A \quad t m \text{ فرض}}{\therefore um}$$

به موجب این قانون هرگاه حکم وجودی t بر شیئی که به مجموعه t تعلق دارد، صادق باشد، و آن حکم بر فرد فرضی‌ای که به مجموعه t تعلق دارد پیاده شود، و از آن نتیجه‌ای

به دست آید، می‌توان آن نتیجه را به خود وجودی نسبت داد. در واقع در اینجا نیز مانند قانون حذف فاصل، وجودی حذف نمی‌شود؛ بلکه نتیجه مبتنی بر آن خواهد شد. گفتی است که همه قواعد منطق جمله‌ها، در منطق محمولات قابل استفاده‌اند. اکنون برهان را بر اساس منطق محمولات تقریر و تنظیم می‌کنیم. نخست برهان را در زبان متعارف متناسب با منطق محمولات تقریر، و سپس آن را بر اساس نماد منطق محمولات تنظیم می‌کنیم:

۱. چیزی وجود دارد که یا واجب‌الوجود است یا ممکن‌الوجود؛ (مقدمه)
 ۲. اگر چیزی وجود داشته باشد که واجب‌الوجود است، واجب‌الوجود (مقدمه) موجود است؛
 ۳. اگر چیزی وجود داشته باشد که ممکن‌الوجود است، واجب‌الوجود (مقدمه) موجود است؛
 ۴. چیزی وجود دارد که واجب‌الوجود است؛ (فرض)
 ۵. واجب‌الوجود موجود است؛ (۲، ۴ وضع مقدم)
 ۶. چیزی وجود دارد که ممکن‌الوجود است؛ (فرض)
 ۷. واجب‌الوجود موجود است؛ (۳، ۵ وضع مقدم)
 ۸. پس واجب‌الوجود موجود است؛ (۱، ۴، ۵، ۶، ۷ حذف فاصل)
- هر چند سطرهای چهارم و ششم فرضی‌اند و دلیلی بر اثبات آنها نداریم، از آنجاکه هریک از این دو، یکی از دو مؤلفه‌های منفصله‌اند و این دو دارای یک نتیجه‌اند، این نتیجه در واقع از خود منفصله به دست می‌آید.

اکنون برهان سینوی را با نمادهای منطق محمول‌ها نمادگذاری می‌کنیم:

&: عاطف

→: شرطی متصله

(∃x): چیزی یا بعضی چیزها (سور جزئی یا وجودی)

(x): به ازای هر چیزی (سور کلی)

E: موجود است

N: واجب‌الوجود است

C: ممکن‌الوجود است

پرو، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱	(1) $(\exists x)(Ex \& Nx) \vee (\exists Y) EY \& C Y$	مقدمه
۲	(2) $(x)(Ex \& N x \rightarrow (\exists x) Ex \& N x)$	مقدمه
۳	(3) $(x)(Ex \& C x \rightarrow (\exists x) Ex \& N x)$	مقدمه
۲	(4) $Ea \& N a \rightarrow (\exists x) Ex \& N x$	حذف سور کلی از ۲
۳	(5) $Ea \& Ca \rightarrow (\exists x) Ex \& N x$	حذف سور کلی از ۳
۶	(6) $Ea \& Na \vee Ea \& Ca$	فرض
۷	(7) $Ea \& Na$	فرض
۷،۲	(8) $(\exists x) Ex \& N x$	۴، ۷ وضع مقدم
۹	(9) $Ea \& Ca$	فرض
۳،۹	(10) $(\exists x) Ex \& N x$	۵، ۹ وضع مقدم
۲،۳،۶	(11) $(\exists x) Ex \& N x$	۹، ۶، ۷، ۸، ۱۰ حذف فاصل
۱،۲،۳	(12) $(\exists x) Ex \& N x$	۱، ۶، ۱۱ حذف وجودی

گفتنی است که وجود و وجود برای شیئی و نیز وجود و امکان برای شیئی، به این معنا نیست که شیء و وجودش دو چیز باشند و وجود عارض بر آن دیگری باشد و نیز وجود یا امکان، دو عرض عارض بر آنها باشند؛ بلکه وجود تأکد همان وجود و امکان ضعف همان وجود است، و به اصطلاح فلسفه اسلامی، محمول وجود و وجود یا امکان آن، محمول بالضمیمه نیستند؛ بلکه این ذهن است که بین شیء و وجودش و بین وجود و تأکد یا ضعف وجودش جدایی می‌اندازد و سپس قضیهٔ حملیه را می‌سازد.

نتیجه‌گیری

برهان صدیقین ابن‌سینا نخستین نوع برهانی است که در آن بدون استفاده از فعل و خلق خدا، وجود خدا اثبات می‌شود. ساختار این برهان، نوعی قیاس ذوحدین است که با توجه به تقسیم عقلی وجود به انفصال حقیقی به ممکن و واجب، وجود واجب نتیجه می‌شود. این برهان از نظر صورت به گونه‌ای است که می‌توان آن را با روش منطق جدید بر اساس منطق جمله‌ها و منطق محمولات صورت‌بندی کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. ابونصر فارابی، *فصوص‌الحکم*، تحقیق محمد حسن آل یسین، ص ۶۲.
۲. نصیر الدین طوسی، *شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۲۱۷.
۳. ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا، *الاشارات و التنبیهات مع الشرح*، ص ۲۰-۲۸.



منابع

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، *الاشارات و التنبیهات*، مع الشرح؛ بی‌جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، نصیر الدین، *تجرید الاعتقاد*، شرح تجرید الاعتقاد، قم، مکتبه المصطفوی، بی‌تا.
- فارابی، ابونصر، *فصول‌الحکم*، تحقیق محمد حسن آل یسین، ط. الثانية، قم، بیدار، ۱۴۰۵ق.